

مصاحبه شونده: دکتر محمد رضا ارشدی

مصاحبه کننده: هادی ناظم بکایی و خانم حبیب الهی

تاریخ مصاحبه: ۸۴/۶/۱۲

دانشکده: مهندسی شیمی

سال ورود: ۱۳۴۸

برای مراسم چهلمین سال تأسیس دانشگاه چه برنامه‌ای پیشنهاد می‌کنید؟
این فکر خوبی است به نظر من شما باید به تاریخ دانشگاه برگردید و شما باید به عواملی برگردید که این دانشگاه را به این موقعیت رساندند و افرادی بودند که این دانشگاه را به این موقعیت رساندند و افرادی بودند که آنها باعث شدند که این دانشگاه در مرحله جهانی هم معروف شود.
فارغ التحصیلانش در کارهای صنعتی در دنیا مشغول اند. و ما باید فاکتورهایی که کم رنگ شده‌اند را پر رنگ کنیم و باید سعی کنیم با فارغ التحصیلان این دانشگاه وضع فعلی دانشگاه را بهبود ببخشیم و امید به آینده را در جوانان بیشتر کنیم.

خودتان را معرفی کنید و خلاصه‌ای از بیوگرافی تان را بگوئید؟

محمد رضا ارشدی هستم. تحصیلاتم تا دوره فوق لیسانس مهندسی شیمی بود. و مدت ۵ سال در امریکا در شرکت تحقیقاتی کار می‌کردم و بعداً چون کارم در رابطه با شیمی فیزیک و خوردگی و خواص مواد بود و اگر چه من درس‌های شیمی را نداشتم ولی من در این ۵ سال از اطلاعات شیمی خودم استفاده کردم. و من در سال ۱۳۴۸ تا تیر ماه ۱۳۸۳ مشغول به کار هستم.
دوره لیسانس از دانشگاه مسیوری در رشته پالایش نفت و فوق لیسانس در دانشگاه اوکلاهما استیت و دکتری را در شیمی فیزیک از دانشگاه آلبرتا در کانادا گرفتم.
نقش دانشگاه در عرصه‌های مختلف توضیح دهید؟ نقش دانشگاه شریف را خودتان در صنعت و چه در آموزش و چه در کارهای اجرایی شاهد هستید کارهای اجرایی مثل وزارت و رؤسای بسیاری از شرکتها از دانشجویان اینجا است شما اگر فارغ التحصیلان اینجا را نگاه کنید می‌بینید که در اینجا مشغول به کارند در کارهای تدریس و تحقیق از جمله رئیس این دانشکده که دکتر باقری است. در صنایع نیشکر، صنعت خودرو و صنایع ملی دانشجویان مشغول به کارند و بسیاری از دانشجویان ما در قدیم و چه هم اکنون در خارج مشغول به تحصیل هستند. و افراد نمونه ای هستند در اغلب دانشگاه‌های امریکا، استرالیا، کانادا از دانشجویان ما را می‌بینیم که در تحقیق و آموزش مشغولند ولی متأسفانه ما در زمینه صنعت پیشرفت مورد نیاز را نکرده‌ایم و ما باید به صنایع و صنعت بیشتر توجه می‌کردیم و به صنعت داخلی می‌بایستی بعد از انقلاب بیشتر توجه می‌کردیم ما باید کارهایی و برنامه‌هایی تنظیم کنیم که

بچه های ما بیشتر با صنعت آشنا شوند شما خودتان می دانید که چه بچه هایی به این دانشگاه راه پیدا کرده اند آنها بچه های نخبه دانشگاه هستند که از سد سختی گذشته اند و به اینجا رسیده اند و خوب همین طور مسئولیتشان بیشتر می شود در عرصه علم خوب بچه های ما موفق ترند و ما می دانیم که بچه های ما برای ادامه تحصیل چه در داخل و چه در خارج موفق ترند ولی من فکر می کنم که ما در عرصه صنعت مشکل داریم و پیدا کردن شغل مناسب برای بچه ها در داخل کشور صنعت است ما باید بچه ها را در جهت نیازهای جامعه پرورش دهیم و ما باید ذهن دانشجویان را به سمت نیازهای جامعه سوق دهیم در رشته ای مثل شیمی، مملکت ما از لحاظ مواد اولیه از لحاظ نفت و گار و هالینیم و... کمبودی نداریم بلکه ما کمبود نیروی قادر نه تنها تحصیل کرده داریم تا بتوانیم جلو بیفتیم ما کشوری داریم که از لحاظ صنایع هیچ مشکلی نداریم از لحاظ معادن هم همینطور است و در مورد صنایع بدلیل کمبود نیروی انسانی با تجربه کمبود داریم که انشاءالله من امیدوارم که با کارهای جوانان ما بتوانیم پیشرفت کنیم من فکر می کنم که ما با این همه منابع حتماً می توانیم خیلی بهتر از این باشیم این نشان می دهد که می توانیم با استفاده از جوانانمان در عرصه های مختلف جلو بیفتیم ما باید در برنامه های آموزشی مان باید دنبال ارتباط صنعت فعلی مان باشیم بعنوان مثال در شیمی و رشته های مرتبط با شیمی مثل مهندسی شیمی، متالورژی و نفت رشته های وابسته به شیمی هستند که من فکر می کنم ما جا ترقی زیادی داریم. ما از مواد اولیه مان آنطور که باید و شاید استفاده نمی کنیم همانطور که می دانیم بسیاری از مواد ما از معدن بصورت خام به خارج صادر می شود در صورتیکه ما اگر صنعتمان را رشد دهیم خودمان روی این مواد می توانیم کار کنیم من نمی گویم که بچه های ما باهوش ترین بچه ها هستند ولی همانطور که می دانید وقتی موقعیت بدست می آورند چه کارهایی انجام می دهند چه دختر و چه پسر باشد. برنامه هایمان باید طوری باشد که از استعداد هایشان استفاده شود.

در تکمیل فرمایشتان نقش دانشگاه برای رفع کمبودها و تأمین نیاز و جهت دادن دانشجویان چیست؟
دانشگاه یک نقشی دارد وقتی ما درباره دانشگاه صحبت می کنیم نصف مطلب را می بینیم مسلماً اجتماع و صنعت از دانشگاه حمایت می کند و اینها با هم توأم می شوند و کشور را می سازند. دانشگاه های ما از ابتدای تأسیس تا به حال نیازها آنها را به سمت صنعت می برد ولی یک مقداری بیشتر به فکر مسائل علمی تنها بوده اند ما متأسفانه قسمت صنعتی کار را خیلی کم رنگ کرده ایم ولی من به عنوان مثال در مورد شیمی می گویم که کم رنگ شدن و عدم توجه به آزمایشگاه باعث عدم پیشرفت ما شده است. این هم علت دارد من دانشجوی وقت نمی خواهد وقت روی آزمایشگاه وقت بگذارد چون روی موقعیتش کم تأثیر می گذارد و وقت می برد کتاب را شما می توانید در خانه یا هر جایی بخوانید. مؤسسه های آموزشی نه فقط دانشگاه زیاد به آزمایشگاه توجه نمی کنند چون بودجه زیادی نیاز دارد شیمی بعد از پزشکی گرانترین رشته است اساتید هم به علل مختلف از جمله اینکه درس دادن برایشان راحت

تراست زیاد علاقه‌ای به کارهای آزمایشگاهی ندارند شما مشاهده کنید که در آزمایشگاه‌ها فاکتور عمده دانشجویان هستند و می‌دانید که علم و عمل توأم است ولی در کارهای عملی کارهایی انجام می‌دهید که از شما بعید است در آزمایشگاه‌ها بچه‌ها بعضی از کارهای عادی مثل کار کردن پمپ خلأ را نمی‌دانید و چگونگی خراب شدن آن را نمی‌دانید این در مقایسه با جوانانی که در خارج دیده‌ایم نسبت به آنها بی‌توجهی خیلی زیادی دارید شاید این بدلیل کارهایی باشد که در دوره دبیرستان انجام می‌داده‌اید باید شما دستتان و کارهایی که با آن انجام می‌دهید آشناتر شود. نباید چیزهای جزئی شما را مجاب کند. شما ببینید امروزه نسل شما دارد بهتر می‌شود وی یک جزئی کار کوچک در زندگی شما را به تکنسین محتاج می‌کند ولی اگر در دوره تحصیلی خودتان را پرورش و آموزش دهید می‌توانید کارهای خودتان را انجام دهید و این کم کم علاقه شما را به کارهای مختلف زیاد می‌کند و شما اگر توانایی که در درس نظری دارید به همان اندازه هم در درس عملی توانایی داشته باشید خود به خود به سمت صنعت می‌روید مثلاً شما یک آزمایشگاه عملیات واحد دارید که ولی چند تا از شما در رابطه با عمل یک و برد فکر کرده‌اید مثلاً من این درس را در ۴۲ سال پیش پاس کرده‌ام که مخصوصاً این درس را در تابستان برای ما می‌گذاشتند که این از حدیده کردن لوله شروع می‌شد طراحی آزمایش و انجام آزمایش را بر عهده ما می‌گذاشتند که این ۲ ماه را از ما واقعاً کار می‌کشیدند حتی جوشکاری و لحیم کاری و غیره را به ما یاد دادند می‌گویند مهندس نباید این چیزها را یاد بگیرد ولی اگر شما یاد بگیرید با تکنسین زیر دستتان بهتر رابطه برقرار می‌کنید. این نقص‌های عملی ما به دلیل این است نه بچه‌ها علاقه دارند و نه بخوبی بر گزاز می‌شود اگر این نقص بر طرف شود اگر ما به آزمایشگاه توجه حداقل کنیم دانشگاه هم وقتی این را می‌بیند به نفعش است که حداقل بودجه را بدهد ما باید باز دیده‌های بیشتری از قسمتهای صنعتی بیشتر کنیم تا علاقه بچه‌ها به کار صنعتی بیشتر شود. مثلاً یک درسی که ما ۴۰-۵۰ سال پیش داشتیم درسی داشتیم که به آن شیمی صنعتی می‌گفتند ما این درس را که داشتیم ۶ واحد بود و استادش از صنعت بود فقط یک استاد نبود بلکه اساتید مختلف از رشته‌های مختلف صنعتی می‌آمدند و استادش هم الزاماً P H D نبود ما داشتیم کسی که BS مهندسی شیمی داشت که به مادرش می‌داد و ما باید مدلی از آن صنعت را می‌ساخت و ما را آشنا می‌کرد و ما استادی در زمینه پالایش نفت داشتیم که ۲۰ سال در حفاری چاه‌های آمریکای جنوبی بود خوب ببینید کسیکه این سابقه عملی را داشته باشد در تفهیم مطالب چقدر بهتر از کسی است که فقط کتاب خوانده است یا مثلاً استاد درس خوردگی ما به اصطلاح در صنایع شیمیایی کلی کار کرده بود که قبلاً رئیس دانشکده مهندسی شیمی بود مثل مشاور بود و می‌برد بچه‌ها را با نمونه اصلی آشنا می‌کرد و فقط با فرمول کار نمی‌کرد این مسائل و بهبودهایی که گفتیم در دانشگاه ما نسبت به جاهای دیگر کمتر است بچه‌های ما همانطور که می‌دانید در بعضی از رشته‌ها به دلیل تدریس خوب اساتید به رشته‌شان علاقه‌شان بیشتر

می شود ولی بعضی از آنها به سمت کارهای تحقیقی و مقاله نوشتن کشیده می شوند و کم کم به سمت دکتری و فوق لیسانس کشیده می شوند ولی کمتر دانشجویی را می بینید که به صنعت کشیده شوند که این در واقع به دلیل هدایت خود دانشگاه است و ما نیاز صنعتمان را برطرف نمی کنیم و متأسفانه فارغ التحصیلان ما به سختی به دلیل همین مورد کمتری پیدا می کنند مثلاً در شیمی محض و رشته مهندسی نفت و شیمی کشاورزی و داشتیم و بعداً بعد از اینکه این اساتید به سن بازنشستگی رسیدند و خارج شدند رشته های صنعتی شیمی کمرنگ شد و این علل باعث شد افراد با تجربه کمتر بیابند و در اکثر قریب به اتفاق دانشگاه هایمان ما رشته شیمی کاربردی داریم که مثل شیر بی یال و کوپال شده است. خوشبختانه اینجا به علت مهندسی شیمی فعالی که داریم بچه ها بعضی از درسهای عملی را از مهندسی شیمی می گیرند ولی درسهایی هستند که در برنامه هست ولی مهندسی شیمی ارائه نمی گیرد.

در واقع اسم کاربردی بچه ها را به سمت آن می کشد و بعد از کارشناسی دوباره به شیمی محض کشیده می شوند. به نظر من باید یا برنامه سابق در شیمی گذاشته شود و یا درس شیمس کاربردی حذف شود و همکاری دانشکده شیمی و مهندسی شیمی باید بیشتر شود خلاصه بگویم مسئله فنی شدن یک دانشجوی مشکلی است که اصولاً دانشجویان در کشور ما دارند. ما باید در کارهای عملی مان بیشتر باشد.

می توانید از سوابق و مسئولیت هایی که داشته اید برایمان بگوئید؟

من آنطور سابقه اجرایی نداشته ام. سال ۵۴ یا ۵۳ بود مدت ۲ سال رئیس کتابخانه مرکزی بودم مدت ۱۷ ماه رئیس دانشکده شیمی بوده ام زمان ما معاونت در دانشکده نبود و مسئول دانشجویان فوق لیسانس دانشکده بودم. بعد از انقلاب در کمیته برنامه ریزی شیمی وزارت علوم بودم و مسئول کمیته بودم در قسمت خوردگی کار کرده ام و الان هم عضو هیئت انجمن خوردگی هستم آن موقع که ما مهندسی شیمی در آمریکا درس می خواندم تأکید روی خوردگی زیاد بود بخاطر همین تخصص من در خوردگی خوب است من و هم دوره ای هایم . که الان این درس در اینجا خیلی کمرنگ است با اینکه مسئله خوردگی در کشور مسئله مهمی است من مقداری هم روی خواص ترمودینامیکی مواد کار کرده ام مثلاً در مورد ساخت پوشش برای سفینه ها، یا لنت ترمز برای اتوموبیل های گرانت قیمت کار کرده ام .

از افتخارات علمی تان بگوئید؟

افتخاراتان را بگوئید. من به همکار و یا ۳ دانشجوی دکتری داشتم که واقعاً باعث افتخار می هستم هر کدامشان الان باعث افتخار من هستند آقای دکتر حسینی، دکتر قاسم پور و آقای دکتر شکری من این سه نفر را خوشحالم که توانستم کاری برایشان بکنم و اینها خدمتگزار جامعه هستند و آنها دید صنعتی دارند آقای دکتر حسینی در صنایع آذربایجان نقشی دارند و آقای دکتر قاسم پور در کاربرد طیف سنجی جرمی در دانشگاه شهید بهشتی در تهیه داروها کار می کند و آقای لشکری هم

در کارهای کامپیوتر و تئوری خوردگی کار می‌کند. ۳۰ تا مقاله دارم که چنگی به دل نم‌زند و در مجلات عمده دانشگاه هستند.

من می‌خواستم نظر شما را جمع به فضای سیاسی و فرهنگی دانشگاه در دوره انقلاب بدانم؟
می‌دانید که این دانشگاه از بدو تأسیس فضای مخصوص به خودش را داشت و یک دانشگاه دولتی معمولی نبود بودجه‌اش از لحاظ تأمین مالی از دولت بود ولی برنامه‌هایش و اداره کردنش مثل دانشگاه تهران نبود یا دانشگاه‌های دیگر استادانش اغلب جوان بودند که از خارج آمده بودند و تفاوت سنی بین دانشجو و استاد کم بود و آزادی تاحدی نسبت به جاهای دیگر بیشتر است و خیلی از چیزها و روابط آزادی که قبلاً بود الان هم است و یک نوع همفکری و همکاری بین دانشجویان و اساتید بود و دولت آن موقع زیاد دل خوشی از این دانشگاه نداشت بخاطر مسائل سیاسی حتی یکبار این تصمیم گرفته شده بود که دانشگاه به دانشگاه صنعتی اصفهان در اصفهان منتقل شود یک موقع گارد دانشگاه وارد دانشگاه می‌شد و دانشجویان را مورد اذیت و آزار قرار می‌داد و در آن موقع اساتید اعتصاب کردند یادم هست یکبار یکی از اساتید که از نظر سنی جوان بود با باتوم به دستش زدند و دستش شکست که اسم آن استاد، استاد گریگوریان بود که سال ۵۳ بود و اساد سازه بود و اعتصاب اولی اتفاق افتاد. البته دانشجویان مرتب اعتصاب می‌کردند البته استادها و دانشجویان با هم همکاری می‌کردند و حرمت هم را رعایت می‌کردند زمانی که استاد اعتصاب می‌کرد دانشجو سر کلاس نمی‌رفت و وقتی دانشجو اعتصاب می‌کرد حضور و غیاب و اسامی اعتصاب کنندگان را نمی‌نوشتند البته بعد از این وقایع تصمیم گرفتند که دیگر این دانشگاه دانشجو دیگر نگیرد و منتقل به اصفهان شود که سال ۵۵ یا ۵۶ بود که اساتید خودشان مستقل از کنکور سراسری اقدام به پذیرش دانشجو کردند و یک کنکوری را خودشان برنامه‌ریزی کردند و برگزار کردند که من مسئول برگزاری کنکور در اصفهان بودم که اقدام به پذیرش دانشجو کردیم البته این دستور وزارت خانه بود که دانشگاه آن سال دانشجو نگیرد ولی ما این کار را کردیم البته اصفهان رفتن من بیشتر جنبه سیاسی داشت. یک مدت هم در سال ۵۶ اساتید اعتصاب کردند و مدت ۱۱ یا ۱۲ ماه به محقوق ندادند از اردیبهشت ماه حقوق ما را قطع کردند و تا دی به ما حقوق ندادند ولی باز دانشگاه باز بود و دانشجویان رسماً نمی‌توانستند رفت و آمد کنند ولی در دوره اول انقلاب دانشگاه باز شد البته ما در این دانشگاه مشکل کمتر داشتیم که علتش اختلاف کم دانشجو با استاد بود و آن آزادی‌هایی که از اول بین اساتید و دانشجو بود در اینجا کمتر بود الان هم می‌بینید که مشکلاتی که در دانشگاه‌های دیگر است در دانشگاه ما خیلی کمتر است و می‌توان گفت که این ثمره آزادی به جا است خودتان می‌دانید که در اینجا دانشجویان با عقاید مختلف همدیگر را تحمل می‌کنند البته این را می‌دانیم که مدیریت دانشگاه درست عمل می‌کند و آن پرخاشگری که در

دانشگاه های دیگر ممکن است دیده شود در دانشگاه ما کمتر دیده می شود و آن چیزی که باعث خوشحالی من شده است این است که دانشجویان با عقاید مختلف وقتی مثلاً یک سخنران با یک نظر می آید و برایشان صحبت می کند هیچ وقت مقابل هم نمی ایستند و به یکدیگر پرخاش نمی کنند. خلاصه دانشجویان ما مسئولیت را از هر لحاظ بیشتر حس می کنند یک طرف این قضیه به مدیریت دانشگاه برمی گردد ولی خب جوانان را خودتان می شناسید که وقتی مسئولیت حس می کنید چقدر پافشاری در انجامش پافشاری می کنند.

در مورد فعالیت های فوق برنامه، ورزشی و فرهنگی توضیح دهید؟ این را از آقای جباری سؤال کنید ایشان یکی از فعالترین اساتید دانشگاه هستند و میانه خوبی با دانشجویان دارند و آقای نوربخش هم همینطور هستند. در گذشته اساتید بیشتر با هم بودند. آقای جباری نه تنها مسئول تربیت بدنی است بلکه یکی از دوستان و اساتید مورد اعتماد دانشجو هم هست. ایشان بیشتر شما را با اسم اولتان می شناسند و ایشان یکی از سرمایه های دانشگاه است و انگار همیشه در حال دویدن هستند. از لحاظ فوق برنامه همه بچه های شیمی فعالیت داشتند. و دانشگاه نه تنها محل آموزش عالی است محل همکاری بچه ها هم هست یک چیز خوبی که وجود دارد این است که بچه ها از همه شهرستان ها می آیند و با هم آشنایی شوند و همکاری با هم را یاد می گیرند با اخلاق هایی مختلف با هم کنار می آیند و این آینده ساز است برای بچه ها از لحاظ اجتماعی.

از خاطراتان بگوئید؟ ۶ یا ۷ ماه پیش خونریزی معده پیدا کرده بودم. یک پرستاری بود که به من خیلی رسیدگی می کرد یک روز آمد به من گفت که این بیماری که در تخت کناری شما بستری بودند را می شناسید گفتم نه پرستار گفت که او یکی از دانشجویان شما بوده است و به من از بد نمره دادن شما گله می کرد. ولی از من خواهش کرد به شما بیشتر برسیم تا زودتر خوب شوید و می گفت که شما را واقعاً دوست دارد.

در فرودگاه فرانکفورت روی صندلی نشسته بودم که یک آقای بلند قد با تیپ کاملاً غربی به من نزدیک شد و به من سلام کرد او گفت که یکی از دانشجویانم بوده است و به من گفت که شما دوبار من را در درس شیمی فیزیک انداختید و برای بار سوم به من ۱۰ دادید ای کاش به من ۱۰ نمی دادید و باز با شما درس شیمی فیزیک را می گرفتم!